

مدل تیغوسی من چه حکمی دارد؟

روح الله حیاییان

شکر خدا هوا دیگر کاملاً بهاری شده و کم کم گرم تر هم می گردد و طبق معمول، دور، دور لباس های تابستانی با مدل های گوناگون و متنوع می گردد و چون دیگر خبری از کلاه و امثال آن هم نیست بازار آرایش های متنوع موی سر و خلاصه مد بهاره و تابستانه که متنوع ترین و جذاب ترین کلاس مد در کشور ماست داغ می شود، مسأله ای که در این میان ذهن برخی جوانان را به خود مشغول می کند این است که مدگرایی و روی خط مد بودن از نظر شرعی چه حکمی دارد؟ آیا اگر جوانی بخواهد مطابق جدیدترین مد روز تیپ بزند آیا کار غیر شرعی کرده است؟

قبل از پرداختن به پاسخ این سؤال اگر حالتان تو شیشه نمی شود طبق قرار قبلیمان یکی از مسایل کلی را که به قول اهل بخیه جزو «فلسفه فقه» به شمار می آید مطرح می کنیم: خیلی ها می پرسند یا بدشان نمی آید بپرسند که این همه جزئیات و ریزه کاری های فقهی از کجا معلوم که جزو دین باشد و در طول تاریخ به اشتباه یا با دسیسه بازی ها و دغل کاری های دشمنان وارد دین نشده باشد و اصولاً ما که یقین نداریم این تکالیف همان چیزی باشد که پیغمبر خدا ﷺ آورده، چرا باید ملزم به انجام آن باشیم؟ مگر در روایات نیامده وقتی امام زمان ﷺ ظهور می کنند و اسلام حقیقی را ارائه می فرمایند خیلی ها فکر می کنند دین جدیدی عرضه شده؟! در جواب باید گفت:

اولاً، قرار نیست ضرورتاً ما همان تکالیفی را که پیغمبر خدا برای مردم بازگو کرده انجام دهیم! (تعجب نکنید اشتباه تایی نبود، درست خواندید) امکان دارد با ظهور آقا بفهمیم تا حالا ول معطل بوده ایم و عبادات واقعی به صورت دیگری انجام می شود، اما این هیچ ایرادی ندارد؛ زیرا فلسفه این شکل دین داری ما و انجام عبادت ها و دیگر تکالیف انجام کاری است که دلیل یا حجت شرعی پیش خدا محسوب شود و به اصطلاح فقهی «مَعْتَر» باشد یعنی عذر و توجیه قابل قبولی به دست ما بدهد.

مثلاً اگر فردای قیامت از ما پرسیدند چرا در غسل، بعد از شستن سر و گردن، اول سمت راست را شستید و بعد سمت چپ را درحالی که فرضاً سمت چپ مقدم بود ما جواب می دهیم به خاطر این که هم عقل و هم روایات اهل بیت، ما را مأمور کرده به مراجعه به فقها و

محدثین (حدیث شناسان) که خیره در این کارند، و فقها هم این طور دستور داده بودند... نتیجه کار این که به قول بچه ها حرف حساب جواب ندارد و ما به خاطر این اشتباه توییخ نمی شویم بلکه به خاطر این که به وظیفه مان عمل کردیم به میزان ثواب عبادات و تکالیف حقیقی به ما پاداش داده می شود. ان شاء الله ثانیاً: آن چه اکنون به عنوان دستورات شرعی به ما می رسد نتیجه زحمات چند صد ساله فقها و علمایی است که گاهی در بیش تر علوم زمان خود متبحر بودند و پس از سال ها تلاش و کوشش این احکام را از روایات به دست آورده اند. تازه آن روایات هم شاید یک صدم مجموع روایات در دست شیعیه باشد که با سخت گیری های فراوان محدثان (رضوان خدا به روحشان) گلچین شده و جزو منابع فقهی قرار گرفته است. به عنوان مثال علما و مجتهدان در استناد به یک روایت، ابتدا تمامی مراحل زندگی راوی آن را بررسی می کنند و اگر احیاناً آن راوی در یک مقطع کوتاه از عمر خود قدری در تقوا و دین داری سهل انگار بوده همه روایات او یا دست کم روایاتی که احتمال می رود در همان مقطع زمانی نقل کرده باشد را از چرخه استنباط خارج می کنند (استنباط یعنی فهم احکام شرعی از آیات قرآن و روایات) خلاصه قضیه این که آن قدر کوشش و تلاش در این مسیر شده که به راحتی نمی توان در صحت آن شک کرد.

قضیه مربوط به ظهور حضرت هم بعید نیست اشاره به فرقه های مختلف اسلامی باشد که به واسطه دوری از مکتب اهل بیت دچار انحرافات عمیق شده اند.

اما برگردیم به بحث شیرین مد:

حقیقت مطلب این است که «مد» در اصطلاح فقهی جزو امور «مُسْتَحْذَهِ» است یعنی مسائلی که در زمان صاحب شریعت یعنی «پیغمبر اعظم ﷺ» نبوده یعنی در گذشته یقیناً این طور نبوده که مثلاً وقتی یکی از اصحاب قصد رفتن به مسجد را کرد بجهانش آویزشان شود که «بپایا به شال کمر جدید آمده بازار حتماً باید بخرم و یا به بند شمشیر جدید مد شده من اگر نخرم آبروم می رهد» و خلاصه کلید کند و چند درهمی پدر گرامی را تیغ بزند! اگر هم تنوعی در نحوه پوشش ها به وجود می آمد در طول ده ها سال بود نه هر هفته، به همین خاطر حکمی به عنوان اولی

(توضیح آن را قبلاً گفتیم) برای مد وجود ندارد در نتیجه چون اصل کلی در همه کارها حلال بودن آن هاست مگر وقتی که دلیلی بر حرمت آن باشد می توان گفت مدگرایی هم به خودی خود حلال است مگر آن که به عنوان ثانوی مصداق کار حرامی باشد!

این یعنی چه؟!

به عنوان مثال: ما در دینمان یک قاعده کلی داریم که تشبه به کفار (یعنی خود را در ظاهر به شکل غیرمسلمان ها درآوردن) حرام است به همین خاطر بعضی از فقها استفاده از کراوات و پایپون را حرام می دانند چون لباس مخصوص کفار است و همین طور صلیب به گردن انداختن و خلاصه هر چیزی که ظاهر مسلمان را شبیه به غیر مسلمان کند. نتیجه اگر مد و مدگرایی هم همین اثر را داشته باشد حرام است ولی اگر مثلاً چادر ملی مد شد یا یک روسری یا شال جدید که پوشش کامل دارد مد شد، معلوم است که ربطی به غیر مسلمان ها ندارد در نتیجه از این جهت اشکالی ندارد.

از طرف دیگر «لباس شهرت» هم حرام است و اصولاً «شهرت» (انگشت نماسدن) یعنی تیپ زدن به شکلی که دیگران به انسان خیره شوند و انسان متفاوت از سایر مردم شناخته شود هم در شریعت اسلام حرام است حال چه به واسطه مدل خاص مو و لباس باشد و چه این که مثلاً یک دانشجو تصمیم بگیرد در محوطه دانشگاه عبا روی دوش بیندازد و یا این که خانمی تصمیم بگیرد چادر مخصوص خواهران افغان را (همان چادرهای نیلی رنگ که نمی دانم اسمش چیست) سر کند خلاصه قضیه این که اگر مد در این حد باشد (که البته خداوکیلی خصوصاً در ابتدای رواج برخی از تیپ های آرایشی و پوششی همین طور هست) آن مد حرام است و الا اشکالی ندارد.

خلاصه کلام این که شیک پوشی و رعایت عرف هر زمان مطابق با قواعد اصولی شرعی هیچ اشکالی ندارد بلکه مورد پسند هم دانسته شده فقط باید دقت داشت که با دو اصل ذکر شده یعنی تشبه به کفار (یا تأیید و تبلیغ آن ها) و لباس شهرت هماهنگ نباشد و در عین حال حدود کلی پوشش اسلامی به ویژه درباره خانم ها که میزان معین بدن را پوشانده و موجب جلب توجه دیگران و تحریک نامحرمان نباشد در آن رعایت شود.

یاعلی!